

# مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

## کنفرانس جهانی احزاب کارگری و کمونیستی با پیروزی بزرگ امر وحدت عمل جنبش انقلابی جهان خاتمه یافت. ما این حادثه بزرگ تاریخی را بهمه زحمتگشان جهان شادباش میگوئیم!

### سخنرانی رفیق رضا رادمش

#### رئیس هیئت نمایندگی حزب توده ایران در کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری

سند اصلی کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری تحت عنوان «وظایف مبارزه علیه امپریالیزم در مرحله کنونی و وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و همه نیروهای ضد امپریالیستی» و اعلامیه تحت عنوان «استقلال، آزادی، صلح به

ویت نام» همچنین خطابه صلح و سندی مربوط به برگزاری صدمین سال تولد لنین بزرگ یعنی اسنادی که با همکاری و همکاری نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری با رعایت کامل موازین دمکراتیک و کارجمعی آماده گردیده است مورد تأیید کامل حزب ماست.

در جلسه حاضر همه ما سخنرانی رئیس هیئت نمایندگی حزب کمونیست اتحاد شوروی رفیق لئونید ایلیچ برژنف را شنیدیم که محتوی تحلیل همه جانبه و عمیق و کاملاً صحیحی از وضع کنونی بین المللی و جنبش جهانی کمونیستی و جهانی است، و تجسم روشن و کنکرتی را از احکام اساسی اسناد تدارک شده بدست میدهد.

طرح سند اصلی کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری پاسخ دهنده خواستههای عمده جنبش ما در شرایط کنونی مبارزه علیه امپریالیزم و ارتجاع، در راه صلح، استقلال، دمکراسی، ترقی و سوسیالیزم است.

با تصویب سند مزبور که دارای قدرت بسجنده و متحد کننده عظیمی است جنبش کمونیستی و کارگری به مرحله جدیدی از مبارزه خود وارد میگردد.

در سند اساسی کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری مبارزه ضد امپریالیستی بعنوان مسئله مرکزی عنوان شده است. این آن محوری است که بر گرد آن میتوان وحدت عمل سیستم جهانی سوسیالیزم، طبقه کارگر جهانی و جنبش رهائی بخش ملی اجزاء عمده پروسه انقلابی جهانی را تأمین نمود.

به درستی در سند گفته شده است که، دنباله در صفحه ۴

هیئت نمایندگی حزب ما صمیمانه ترین درود های خود را به همه هیئت های نمایندگی احزاب برادر، شرکت کنندگان این فوروم بین المللی که مقام و منزلت خاصی در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری داراست تقدیم میدارد.

بدواً اجازه میخواهم بنام هیئت نمایندگی حزب توده ایران از پذیرائی گرم و برادرانه ای که از طرف حزب کمونیست اتحاد شوروی نسبت به ما مبذول گردیده است، صمیمانه تشکر کنم و مراتب سپاسگزاری هیئت نمایندگی حزب توده ایران را در مورد فراهم بودن همه گونه وسائل کار تقدیم دارم.

تشکیل کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری، گام بسیار مهم در راه تأمین وحدت و همبستگی صفوف جنبش کمونیستی و کارگری و کامیابی مهمی در این راه بشمار میرود. حزب ما پیوسته و مصراً هوادار تشکیل آن بوده است و در این راه بنوبه خود از هیچ کوششی فرو گذار نکرده است.

بدون تردید تاریخ توفیق جلسه حاضر را بمثابة يك موفقیت برجسته طبقه کارگر جهانی و تمام نیروهای انقلابی و مترقی ثبت خواهد نمود.

نگرانی محافل امپریالیستی و ارتجاعی درباره تشکیل این جلسه خود بهترین گواه ضرورت تشکیل آن و نشانه موفقیتی است که نصیب جنبش کمونیستی و کارگری گردیده است. وحدت جنبش کمونیستی و کارگری حلقه عمده پیروزی علیه امپریالیزم و ارتجاع در دوران ما، دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیزم است.

بنابر این هیچ مانع و رادعی نباید بتواند اخیاء و استحکام وحدت و همبستگی احزاب کمونیستی و کارگری را به تأخیر اندازد. این وظیفه ایست که تاریخ در برابر کمونیست های همه جهان نهاده است، باید به آن جامعه عمل پوشاند و در راه انجام آن از هیچ کوششی فرو گذار نشود.

#### يك گام بزرگ تاریخی اندر راه همپیوستگی جنبش کارگری و کمونیستی جهان

جلسه از جهت اسلوب عمل و اهمیت اسناد مصوبه خود جای ویژه ای در تاریخ جنبش کمونیستی جهانی خواهد داشت.

سند اساسی يك پلاتفرم مشروح و علمی و حربه نیرومندی برای همه رزمندگان برضد امپریالیسم و بغاظر صلح، دموکراسی و سوسیالیسم است چنانکه گفتیم حزب ما نیز در تدارک این سند شرکت مجدانه داشت و به نوبه خود نکاتی برای دقیق تر کردن طرح های نخستین پیشنهاد کرد که همگی در جلسات

تدارکی مورد قبول قرار گرفت. هیئت نمایندگی حزب ما بریاست دبیر اول حزب رفیق رادمش ضمن سخنرانی خود در کنفرانس پشتیبانی کامل خود را از این سند معتبر جنبش و دیگر اسناد تدارک شده ابراز داشت. اکثریت قریب بنام هیئت نمایندگی حاضر در جلسه متن کامل سند اصلی را مورد تأیید و پشتیبانی بی قید و شرط قرار دادند.

هیئت های نمایندگی استرالیا، ایتالیا، ساموارینو و رونیون موافقت کامل خود را با آن بخش سند که در آن برنامه مبارزه علیه امپریالیسم بیان میشود ابراز داشتند و نماینده حزب کمونیست دمیچکن سند اساسی را مورد پشتیبانی قرار داد.

علاوه بر سند، اصلی شرکت کنندگان جلسه مسئله برگزاری جشن صدمین سالگرد میلاد لنین پیشوای زحمتگشان جهان را مورد بررسی قرار دادند و با شور و هیجان تمام خطابه مربوط به «صدمین سالگرد میلاد ولادیمیر ایلیچ لنین» را تصویب کردند.

کنفرانس اسناد معتبر دیگری تحت عنوان «استقلال و آزادی و صلح به ویتنام» و «بیانیه در دفاع از صلح» را نیز تصویب کرد و برای پشتیبانی از مبارزه خلقهای عرب علیه تجاوز اسرائیل و در دفاع از قربانیان رژیمهای ضد دموکراتیک برخی از

چنانکه میدانیم از ۵ تا ۱۷ ژوئن ۱۹۶۹ در شهر مسکو کنفرانس بین المللی ۷۵ حزب برادر تشکیل بود. شرکت کنندگان این جلسه آنرا بعنوان «حادثه ای بزرگ در راه بسط پیکار علیه امپریالیسم و نیل به وحدت عمل ضد امپریالیستی وسیعترین قشر های مردم جهان و مرحله مهم در راه تحکیم هم پیوستگی جنبش کمونیستی بر بنیاد مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری» ارزیابی کردند.

در کنفرانس، رؤسای هیئتهای نمایندگی سخنرانیهای مشروح و جالبی کرده اند، که در هیئت خود انعکاس علمی و واقعی وضع کنونی جهان است. در میان سخنرانیها،

بویژه سخنرانی رفیق برژنف، دبیر اول حزب کمونیست اتحاد شوروی از طرف هیئت نمایندگی این حزب، توجه نه تنها شرکت کنندگان کنفرانس، بلکه افکار عمومی جهان را بخود جلب کرد. لحن استوار و خونسرد و عمق فضاوتهای این سخنرانی مورد ستایش همگانی قرار گرفت.

کنفرانس سند اساسی خود را تحت عنوان «وظایف نبرد علیه امپریالیسم در مرحله کنونی و وحدت عمل احزاب کارگری و کمونیستی و همه نیروهای ضد امپریالیستی» روز ۱۷ ژوئن تصویب کرد. در تدارک این سند همه احزاب برادر حاضر در جلسه و از آنجمله حزب توده ایران شرکت مجدانه داشته اند. سند ثمره بحث های طولانی و دقیقی است که در دوران تدارک کنفرانس بین المللی در محیط کار جمعی، دموکراتیک،

تبادل نظر آزادانه بر پایه تساوی کامل حقوق انجام گرفته است. همه شرکت کنندگان جلسه وجود چنین محیط اصولی و دموکراتیک را هم در مورد جلسات تدارکی و هم در مورد کنفرانس اصلی، ضمن سخنرانیهای خود تأیید کردند. بجز آن میتوان گفت که این

# سازش با کنسرسیون و دروغ به مردم

# دست امپریالیسم در آستین رژیم ایران

سرانجام مذاکرات بین شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیون بین المللی نفت، که در اسفند ماه گذشته برای افزایش در آمد نفت ایران از راه افزایش تولید نفت آغاز شده بود، در اواخر اردیبهشت ماه پایان یافت. در همان حال که روزنامه های دولتی طبق معمول نغمه ناهنجار خود را در باره «پسروری شاهنشاه» دوباره سردادند اعلامیه رسمی چند سطری فقط حاکی از این بود که بین شرکت ملی نفت و کنسرسیون «در محیطی با تفاهم متقابل و حسن همکاری... توافق حاصل گردید». ضمناً اطلاعات نوشت که «شرکت ملی نفت و کنسرسیون هر دو از افشاء فرمول توافق شده خود داری کردند».

## حفظ سریت برای پوشاندن سازش

سریتی که از طرف رژیم و حامیان امپریالیست آن در مسئله نفت رعایت میشود، مطلب تازه ای نیست. دلیل آنهم ساده است. سازشی که انجام میگردد، در برابر ادعائی که میشود، موجب آبروریزی است، افشاء کننده ماهیت ضد ملی رژیم و ماهیت غارت گرانه شرکت های نفتی امپریالیستی است. ولی خود همین حفظ سریت برای مردم نشانه سازشها از یکطرف و بی پایه بودن ادعاها از طرف دیگر است. چون رژیم که سازش را «پسروری» قلمداد میکند، اگر واقعاً عوفقینی بدست آورده بود، گوش مردم را از سر و صدا در این باره کر میکرد.

با اینهمه از گوشه و کنار و از لابلای مطالب روزنامه ها میتوان کم و بیش تصویری در باره سازش جدید بدست آورد. روزنامه کیهان مینویسد: «در زمینه افزایش تولید گفته میشود که کنسرسیون در سال جاری بمیزان ۱۰ درصد تولید نفت خام حوزه قرار داد را افزایش خواهد داد. از سوی دیگر با بالا بردن میزان استخراج و صدور نفت خام سبک درآمد ایران را از این ناحیه تا حدود ۱۲ درصد بالا خواهد برد. نکته دیگر مسئله پرداخت مساعده با بهره کم به ایران است که از طرف کنسرسیون پرداخت خواهد شد. روزنامه اطلاعات از قول رادیو لندن مینویسد: «چنین بنظر میآید که کنسرسیون خود را در افزایش تولید به میزان ۱۶٪ که یکی از نکات مذاکرات ایران بود متعهد نساخته باشد.» روزنامه اطلاعات از قول روزنامه تایمز مینویسد: «مشولان امور نفت در لندن از اینکه شرکتهای نفتی توانسته اند نواحی استخراج مورد امتیاز خود را حفظ نمایند آسوده خاطر شدند».

و چرا آسوده خاطر نشوند؟ شاه هنگامیکه مشغول بلوف زدن بود گفت که «شاید استخراج و تولید نفتی ما از یک رشد سالانه ۹ درصد برخوردار باشد». و اطلاعات در باره وعده های گذشته کنسرسیون نوشت: «با آنکه کنسرسیون وعده داد میزان استخراج را طبق نظر ایران بالا ببرد در پایان کار معلوم شد که توانسته است بطور دقیق وعده

خود را جامه تحقق بپوشد.» یعنی درست در همان هنگامیکه دستگامهای تبلیغاتی رژیم در باره «پسروری شاهنشاه در نفت» جنجال میکردند و در باره افزایش ۱۶ - ۱۸ درصد تولید نفت در سال داد سخن میدادند، کنسرسیون فقط تا همان اندازه که لازم میدیده تولید نفت را افزایش میداده است. سازش جدید هم درست منطبق با خواست و پیشنهاد کنسرسیون انجام گرفته، یعنی افزایش همراه با یک قرضه برای پر کردن کمبود درآمد ایران - که معلوم نیست شرایط آن چیست. بسخن دیگر این بار ایران مجبور شده است بار سنگین یک قرضه جدید امپریالیستی را هم بدوش بکشد و از این راه هم سود جدیدی به کنسرسیون برساند. کنسرسیون با دستی درآمد ناچیزی به ایران میدهد تا آنرا همراه با سود جدیدی از دست دیگر دریافت کند. برای آسودگی خاطر دلیلی از این بهتر میشود؟

## تشدید وابستگی و تشدید غارت

سخن فقط برسر این نیست که افزایش درآمد نفت مطابق میل و طبق سیاست کنسرسیون انجام گرفته و میگردد. مطلب به این هم خاتمه نمی یابد که سازش جدید قرضه امپریالیستی جدیدی را به ایران تحمیل کرده است. مهمتر از همه اینست که افزایش درآمد، حتی آنطور که ایران میخواهد، حتی بدون قرضه هم تشدید غارت و تشدید وابستگی ایران را در بر دارد. چون کنسرسیون اگر با یک دست پولی به ایران بدهد با دست دیگر همان پول را با مقداری اضافه بدست میآورد. اطلاعات در تأیید این واقعیت (و بزعم خود برای اثبات اینکه کنسرسیون میتواند و باید احتیاجات ایران را تأمین کند) اعترافات جالبی کرده است که عیناً نقل میکنیم. اطلاعات مینویسد: «باید... در طول برنامه چهارم جمعاً ۹۳۸ میلیون دلار از کنسرسیون ارز بدست آوریم و باز ارز خود را به کشورهای غرب بفرستیم و با آن ماشین آلات و لوازم صنعتی و مواد اولیه و مواد واسطه و بالاخره مواد مصرفی ضروری خریداری کنیم.»

به این ترتیب هم رشد اقتصادی خود را عملی کنیم و هم به بالا بردن حجم صادرات کشور های غرب کمک نماییم. در این گفته هیچ مبالغه ای وجود ندارد زیرا تجارت ما با بلوک شرق بر اثر مبادله کالا به کالا است و آنچه از طریق ارز نفت و ارز صادرات بدست میآوریم در دور بعد مجدداً بمصرف خرید کالا از کشورهای غرب میرسد. این کشورها عمدتاً همانها هستند که در کنسرسیون سهام دار هستند. وارد این بحث نمیشویم که اصولاً نحوه فروش و صدور نفت و خرید کالا ساخته شده و از آنجمله محصولات مختلف پتروشیمی که از نفت بدست میآید جنبه استعماری دارد و در حالیکه قیمت نفت در تنزل است و یا اقل ثابت است قیمت محصولات

روز ۲۴ اردیبهشت سال جاری دولت ایران قطع روابط اقتصادی و بازرگانی خود را با جمهوری دموکراتیک آلمان اعلام کرد. در توضیح علت این تصمیم به «عریضه» ای استناد شده که فدراسیون اطلاعاتی بازرگانی ایران از طرف باصطلاح «قابطه بازرگانان کشور» برای شاه فرستاده و در آن تقاضا کرده بود نسبت به قطع این روابط اقدام شود، زیرا بدعوی کارگردانان این فدراسیون و رئیس آن محمد خسرو شاهی، گویا وزیر خارجه جمهوری دموکراتیک آلمان در مورد قرار داد سال ۱۳۱۶ ایران و عراق «اظهارات غیر اصولی» کرده است. شاه هم ظاهراً فقط بخاطر تسکین احساسات جریحه دار شده «قابطه بازرگانان» فوراً باستقبال «عریضه» میروید.

بطوریکه میدانیم دولت ایران به پیروی از سیاست امپریالیستی واشنگتن و بن از شناسائی جمهوری دموکراتیک آلمان تحاشی ورزیده و تنها از چند سال پیش بانطرف به شرکت معاملات خارجی و برخی از بازرگانان ایران امکان محدودی داده است تا با جمهوری دموکراتیک آلمان به معاملات تجارتی بپردازند. با اقدام اخیر دولت باین روابط اقتصادی محدود نیز پایان داده میشود. ولی آیا علت قطع این روابط همانست که در اظهارات مقامات ایران جلوه داده شده است؟ البته انگیزه بازرگانان، وابسته ای چون آقای محمد خسرو شاهی که با شرکتهای انحصاری آلمان غربی معاملات وسیع دارد و از اینراه هر سال سودهای کلان میبرد کاملاً روشن است. ولی زمامداران ایران چرا باین اقدام ناخبرانه دست زده اند؟ اینجاست که رژیم کنونی بار دیگر چهره واقعی و سرشت عمیقاً ضد ملی خود را آشکار میسازد. برای هر مبتدی در امور سیاسی روشن است کیه دولت ایران تنها بر پایه «اظهارات» وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک آلمان روابط بازرگانی خود را با آن جمهوری قطع نکرده است و شاه هم بخاطر «تسکین احساسات قابطه بازرگانان» باستقبال عریضه گذائی نرفته است. این یک بهانه ناشیانه است که نمیتواند انگیزه واقعی زمامداران ایران را از نظر مردم ما و محافل اجتماعی جهان پوشیده نگاهدارد.

اقدام دولت ایران از مجموعه سیاست خارجی ضد ملی رژیم که روز بروز ماهیت خود را آشکارتر میسازد یعنی از سمت گیری یکجانبه بسود سیاست تجاوزکارانه امپریالیستی، تیره ساختن بیش از پیش مناسبات ایران با اکثریت کشورهای عربی، اتخاذ روش خصمانه تشدید در قبال دولت عراق و بند و بست محرمانه با متجاوزان صهیونیست اسرائیلی برای تشدید وخامت اوضاع در خاور نزدیک و میانه، ریشه میگردد.

رژیم کنونی ایران بعلت خصلت ضد ملی خود بحفظ و تقویت رشته های پیوند خود با امپریالیسم جهانی نیاز حیاتی دارد و باینجهت دست آنها را برای توسعه تسلط بر شئون اقتصادی و سیاسی کشور ما باز میگردد. خود شاه در بیان این مطلب صریح و بی پرواست: «هر چقدر ممالک خارجی در کشور ما بیشتر سرمایه گذاری کنند به امنیت و استقلال ما بیشتر علاقمند میشوند». در باشگاه مطبوعاتی امریکا از اینهم صریحتر سخن

میکوید: «در مبارزه میان شرق و غرب تصمیم گرفتیم بطور رستی و آشکار سر نوشت خود را با سر نوشت ملل غربی گره بزیم و با آنها متحد باشیم. تأکید میکنم که همکاری ما با ملل غربی در آینده هیچوقت بد تر نخواهد شد».

شاه با تشدید سیاست گیری سیاسی یکجانبه به «قول سر بازی» خود وفادار مانده است. نخست وزیر هویدا در سفر اخیر خود به فرانسه و آلمان غربی برای تحقق بیش از پیش این رهنمود شاه تلاش فراوان بکار برد و در آلمان غربی برای محکم کردن گره سر نوشت رژیم با امپریالیسم آلمان غربی شرایط بسیار مساعدی را برای فعالیت تاراجگرانه سرمایه های انحصاری آلمان غربی در ایران و از جمله در زمینه اکتشاف و بهره برداری از منابع نفتی ایران و سرمایه گذاری در رشته های کلیدی صنایع به کیزینگر و برانت و... داد. علاوه بر این نخست وزیر هویدا برای رایش علاقمندی تلافیجویان آلمان غربی ضمن مذاکره در باره وضع خاور نزدیک و میانه متعهد شد که دولت ایران به پیشرفت نقشه های تجاوزکارانه امپریالیسم آلمان غربی در این منطقه بحرانی کمک کند و روش سیاسی خود را در قبال کشور های ضد امپریالیستی غرب بیش از پیش با مشی سیاسی و استراتژیک امپریالیسم و پروژه امپریالیست های امریکا و آلمان غربی هماهنگ سازد. با بازگشت هویدا اجرای عملی این تعهدات آغاز شد.

بطوریکه میدانیم شناسائی جمهوری دموکراتیک آلمان و برقراری روابط سیاسی کامل با آن اکنون برای دهها کشور بعنوان یک مسئله مهم بین المللی فوریت یافته است. این جمهوری سوسیالیستی که در سال جاری بیستمین سال حیات خود را برگزار میکند در پرتو کامیابیهای برجسته خود در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ثابت کرده است که سوسیالیسم امرحیاتی زحمتکش آلمان است. کشورهای آسیائی و افریقائی از کامیابیهای جمهوری دموکراتیک آلمان شادند و میکوشند با این کشور صلح دوست و ترقیخواه روابط دوستانه برقرار سازند و از کمک های علمی و فنی و اقتصادی آن برای پیشرفت خود بهره مند گردند. تنها در ماه سال جاری کامبوج و عراق و سپس سودان و سوریه جمهوری دموکراتیک آلمان را برسمیت شناختند. این مطلب آلمان فدرال را که دعوی «حق انحصار نمایندگی سراسر آلمان» را دارد و بموجب «دکترین هالشتاین» میکوشد کشورهای دیگر را از برقراری روابط سیاسی با جمهوری دموکراتیک آلمان منع کند، سخت نگران ساخته است.

همیشه دولت عراق جمهوری دموکراتیک آلمان را برسمیت شناخت زمامداران ایران برای تأیید مراتب تبعیت خود از امپریالیستهای آلمان غربی به جستجوی بهانه برخاستند و چون سیاست صلحجویانه و ترقیخواهانه این کشور جائی برای بهانه های معقول باقی نمیکندارد بهانه بتی اسرائیلی تراشیدند و به پیروی آشکار از دکترین تجاوزکارانه هالشتاین قطع روابط بازرگانی خود را با آن کشور اعلام کردند.

## دفاع از حقوق کودک

وظیفه همه پدران و مادران، همه سازمانهای مترقی است

زندگی کودکان ایرانی تاریک و اندوهبار است. تند باد مخاطرات از همان نخستین لحظات حیات، هستی و خوشبختی این شکوفه های بی توش و توان را تهدید میکند. هیچ قانونی پاسدار حقوق آنان نیست، و قوانین مدنی و اجتماعی کنونی بر منوالی است که راه بر رشد و تکامل جسمی و فکری کودک بسته است. در کشوری که عدالت اجتماعی نیست، سطح زندگی مردم نازل است، فرهنگ و بهداشت بخصوص در روستا هایش وجود ندارد، ازدواج های نامتناسب بر بنیان قوانین غلط و سنت های نادرست ثبات خانواده را متزلزل ساخته کودکان هیچگونه تأمینی ندارند. رقم مرگ نوزادان در اولین سالهای تولد بعثت فقدان هر گونه حمایت از مادران زحمتکش بی غذائی و سوء تغذیه، عدم دسترسی به پزشکی و دارو دهشت انگیز است. و کودکانی هم که از هفت بند فقر و بیماری تصادفاً جان بدر برند، بی بهره از حلاوت دنیای کودکی بازوان ناتوانشان خجلی زود با زحمت و کار آشنا میشود؛ کودکانیکه همبای پدران و مادران خود در روستاها کار میکنند، کودکانی که از ۵-۶ سالگی سر نوشتشان با دارهای قالی گره میخورند... کودکانی که در کارخانه ها و کارگاهها و دکانها به کارهای سخت و سنگین اشتغال دارند. نمونه روشن، زندگی تاریک کودکان را میتوان در اعترافات سران رژیم و نیز نوشته پاره ای از روزنامه های ایران در مورد کودکان قالیباف یافت. مخیر روزنامه آئیندگان که اینجکار گاههای قالیبافی رفسنجان دیدن نموده میگوید: «... با اطفال ۵-۶ ساله همانند بردگان رفتار میکنند حتی قانون جنگل هم بر آنها حکومت نمیکند... برده فروشی با کربیه ترین صورت ممکنه برای استثمار انسانها در کار قالیبافی در سراسر این منطقه رواج دارد» رژیم ککه در مجامع بین المللی سالوسانه دم از لزوم برابری حقوق انسانها مینزد با بی پروائی بر «ساف خری» انسانها صحنه گذارده است. مخیر روزنامه آئیندگان مینویسد: «از هانگامیکه بچه در شکم مادر است، سند «اجیر کردن» او در محاضر و اسناد رسمی با اطلاع و نظر وزارت کار تنظیم میشود» تصور چنین چناییتی فقط در عقب مانده ترین جوامع بشری ممکن است. حزب ما از آغاز موجودیت، چه از طریق مطبوعات خود و چه از طریق تشکیلات دموکراتیک زنان و جمعیت حمایت از کودک و در سالهای اخیر نیز در رادیوی بیک ایران و ماهنامه مردم کارا مسئله کار کودکان کمتر از ۱۴ سال و بخصوص استثمار ظالمانه کودکان قالیباف را مورد اعتراض شدید قرار داده است، ولی در همه این سالها رژیم شاه آگاهانه چشم بر این جنایات بست. اکنون نیز که فضیحت دخمه های قالی بافی و استثمار و بردگی کودکان

## نه انقلابیگری نه تسلیم

نتایج زبان بخش چپ روی فقط در این نبوده است که افرادی از انقلابیگری در حرف به موضع ضد انقلابی در عمل در غلطیده اند. افراد دیگری هم هستند که شکست شعارها و روشهای چپ روانه و ماجراجویانه را می بینند و راه تسلیم در پیش میگیرند. و این زبان که تری نیست، چون بهر ترتیب نیروهای از صحنه مبارزه خارج میشوند. منشاء این نوسان از یک قطب به قطب دیگری است؛ خرده بورژوازی و روشنفکران وابسته به آن که در اثر بحرانهای اجتماعی به «هیجان» میآیند، «خشه گین» میشوند و خواهان «انقلاب فوری» میگردند وقتی با مشکلات و بفرنجیهای مبارزه روبرو میشوند و غلبه بر آنها را نیز دشوار و طولانی می یابند و چون مقاومت و صبر و پیگیری لازم را هم ندارند، غالباً دچار نومیدی میگردند، موضع موجود تسلیم میشوند و گاه نیز به ضدانقلاب می پیوندند.

ولی شکل بروز و چگونگی توجیه این تسلیم در جامعه و جنبش ما گوناگون است: (۱) افرادی پس از آنکه فارغ التحصیل میشوند و به شغل و مقامی میرسند بکلی از یاد میبرند که زمانی چه میگفته اند و چه میکرده اند. گوئی دوره «انقلابی بودن» پایان رسیده و وقت «زندگی» فرا رسیده است. چه زندگی؟ همان زندگی خرده بورژوا ما با آنای که مورد تحقیر آنها و آماج مبارزه آنها بود. اینان فعالیت انقلابی گذشته خود را ناشی از «جوانی» میدانند. گویا وقتی کسی عاقل و مسن شد باید با ظلم و فساد بسازد؛ در حالیکه اگر کسی در جوانی بفعالیت انقلابی بپردازد اگر دچار انقلابیگری زود گذر نشده باشد قاعدتاً باید همراه بار شد و تکامل جسمی و فکری خود از سطح به عمق برسد و در اندیشه و عمل انقلابی خود مؤمن تر و پایدارتر گردد.

(۲) افرادی در جریان مبارزه با اشکال گوناگون ترور پلیسی روبرو میشوند. از اخراج از کار و محرومیت از تحصیل گرفته تا زندان و شکنجه و مرگ. همچنانکه درجه فشار نسبت به مبارزان یکی نیست میزان مقاومت آنها نیز یکسان نیست و نمیتواند باشد، زیرا روحیه مقاومت بسته به عوامل گوناگونی است. بنابراین سخن بر سر آن نیست که همه باید تا دم مرگ «قهرمانی» کنند. ولی فراوان دیده شده است که بویژه افرادی که با حرارت درباره «جانبازی» داد سخن میداده اند و دائماً از «آتش و خون» دم میزدند در نخستین برخورد با کوچکترین فشار ضعف نشان داده

موجود و جلو گیری از چند همسری، حمایت از کودک پس از جدائی پدر و مادر بردارد. قبل از هر چیز باید سازمانهای مخصوص حمایت از کودک تشکیل شود و از طریق آنها پدران و مادران برای مبارزه جدی بسیج شوند.

مینو

و تسلیم شده اند. گوئی این ادعا ها فقط برای جلسات سخنرانی بوده است. گوئی بحث در باره ترور پلیسی حاکم در ایران فقط جنبه تبلیغاتی داشته است. در حالیکه انقلابی واقعی بجای حرف و ادعا درباره جانبازی و فداکاری باید در عمل روحیه بیکار جویانه و مقاوم خود را نشان دهد و در جریان مبارزه دشوار و بفرنجی که انقلابیان ایران با آن روبرو هستند دائماً و عمیقاً خود را برای مقابله با ترور پلیسی آماده کند. کسیکه آمادگی خود را برای جنگ پارتیزانی، که خطر دائمی گرسنگی، بیماری و مرگ را در بر دارد - اعلام میکند باید حداقل بتواند که بیکاری و محرومیت از تحصیل را تحمل کند و تهدید و تطهیم سازمان امنیت پای اراده اوراست نسازد، در غیر اینصورت انقلابی نیست انقلابی مآب است.

(۳) افرادی شعار های چپ روانه و ماجراجویانه را با شکست مواجه دیده اند، انواع دیگر مبارزه را هم «بیفایده» میدانند. و سرانجام آسمان را چنان تیره و تار میکنند که میگویند «کاری از ما ساخته نیست». و بعد؟ و بعد بدنبال «زندگی» میروند. اینان که زمانی نیروی امپریالیسم و رژیم را بهیج و پوچ میگردانند بطوریکه «با چند نفر و چند تفنگ» میخواستند «جنگ پارتیزانی» راه بیاندازند، ناگهان امپریالیسم و رژیم را قدر قدرت می یابند و یا فکر میکنند که باید «معجزه ای» برای نجات ایران روی دهد. در حالیکه هر کس کمترین آشنائی با مارکسیسم داشته باشد و تجربه جنبشهای انقلابی را نیز بررسی کند فقط به این نتیجه میرسد که طبقات حاکمه نه «بر کاغذی» هستند و نه قدر قدرت. آن «معجزه ای» هم که باید رخ دهد فقط مبارزه متحد طبقات زحمتکش و توده های مردم مبارزه ای دشوار و طولانی و بفرنج، مبارزه ای خونین و پر از محرومیت و فداکاری و قربانی، میتواند انجام دهد.

(۴) و بالاخره افرادی هستند که در اروپا و امریکا «انقلابی» اند ولی وقتی به ایران باز میگردند «دست از پا خطا نمیکند»؛ اینها کسانی هستند که اوضاع واقعی ایران را نمیدانند و یا نمیبخاستند ببینند، محیط خارج از کشور را با محیط داخل کشور یکسان تصور میگردند و بعد وقتی با واقعیت ایران آشنا میشوند، سنگینی بار دشواریها آنها را میترساند و یا نومید میکند. و یا کسانی که انقلابیگری در خارج از کشور را هم یک نوع «لوکس» تلقی میکنند و وقتی بدنبال زندگی خود در داخل کشور میروند این «لوکس» برایشان «خطرناک» میشود و دنبال لوکس واقعی تری میروند. ضمناً جالب تر از همه وضع کسانی است که دو دستی به زندگی خرده بورژوازی خود چسبیده اند و تدارک زندگی بورژوازی را می بینند و در نتیجه حاضر نیستند کوچکترین

# سخنرانی رفیق رضا را منسوخ رئیس هیئت نمایندگان حزب توده ایران در کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری

«جهت تیز استراتژی تهاجمی امپریالیزم مانند سابق و قبل از همه علیه کشور های سوسیالیستی متوجه است. امپریالیزم از مبارزه مسلحانه علیه کشور های سوسیالیستی ابائی ندارد. امپریالیزم دائماً مسابقه تسلیحاتی را تشدید میکند و سعی مینماید بلوک های نظامی را که بمنظور تهاجم علیه اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی ایجاد شده است فعالتر سازد. علیه این کشور ها مبارزه ایدئولوژیک را تقویت میکند و سعی دارد رشد و تکامل اقتصادی کشور های سوسیالیستی را ترمز نماید.»

جنگ در ویت نام، محاصره اقتصادی کوبا، توطئه ها و تحریکات بی دری در سرحدات و سواحل کره شمالی، احیاء مینتاریزم و تئو نازیسم در آلمان غربی، عدم شناسایی آلمان دمکراتیک، نخستین کشور کارگری در سرزمین آلمان، ایجاد پایگاههای نظامی دائمی و انعقاد پیمان های نظامی علیه کشور های سوسیالیستی و انواع دیگر تحریکات و تشیقات که در این یا آن کشور سوسیالیستی با اشکال و انواع مختلف تکرار میگردد شواهد زنده بر صحت این حکم است.

در سند بدرستی گفته شده است که: «امپریالیزم علیه جنبش کارگری از طریق نقض حقوق و آزادیهای دمکراتیک و توسل به زور و اعمال شوه های خشن پلیسی و فشار مستقیم به زحمت کشان و تسوین قوانین ضد کارگری عمل میکند.»

علیه چنین رویه های ضد انسانی است که طبقه کارگر و اقشار دیگر جوامع سرمایه داری که در معرض استثمار بیش از پیش شدیدی قرار میگیرند، پسر توانر مشکلات و پر محتوی تر میگردد و در بسیاری موارد در سال های اخیر به اعتراضات و اعتصابات سیاسی عمومی تبدیل گشته و رژیم حاکم را در برخی از کشور ها با بحران های اجتماعی بی سابقه ای روبرو کرده است.

در سند به درستی گفته شده است که: «امپریالیزم در مبارزه علیه جنبش رهائی بخش ملی از یک سو از بقایای کولونیا لیزم دفاع مینماید، از سوی دیگر سعی میکند با شوه های استثمار نوین از تفریقات اقتصادی و اجتماعی کشور های در حال رشد که به حاکمیت ملی نائل گردیده اند مناعت بعمل آرد.

باین منظور امپریالیزم از محافل ارتجاعی حمایت مینماید، تصفیه ساخت اجتماعی قدیمی را ترمز میکند، مشکلات در راه سوسیالیزم را در راه رشد غیر سرمایه داری که دورنمای سوسیالیستی را میگشاید فراهم

لیسم بیش از پیش در میان توده های وسیع مردم جهان رسوخ نموده، رفته رفته به شعار عمومی ترقی تبدیل میگردد.

رشد و تکامل مناسبات سرمایه داری در کشور ما در شرایط عقب ماندگی اجتماعی و اقتصادی در شرایط وابستگی اقتصادی و سیاسی و نظامی به امپریالیزم، در شرایط وجود یک رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک انجام میگردد.

بدرستی در سند اصلی گفته شده است: «کشور هائی که راه رشد سرمایه داری را میبمایند، نتوانستند هیچ یک از مشکلات مهم خود را حل کنند.»

از این راه نه تنها عقب افتادگی دیرینه ایران چبران نشود، بلکه تضاد های دردناک دیگر اجتماعی که ناشی از استثمار سرمایه داری و غارتگری امپریالیستی است، با درد های گذشته در آمیخته و سر انجام با توجه باینکه جهان معاصر در سایه انقلاب شکر ف علمی و فنی با آهنکی به مراتب سریعتر از گذشته تحول مینماید، فاصله کشور ما از کشورهای پیشرفته باز هم بیشتر میشود.

چنین دورنمایی نمیتواند مورد قبول هیچ ایرانی مین پرست و ترقیخواه باشد و محققا راه ترقی و پیشرفت کشور ما از این سو نیست.

با توجه به تحولات اوضاع جهان اساسا این نه تنها راه نیست، بلکه گمراهی است.

زمامداران کنونی برای تخفیف شدت بحران کوشیدند تا با کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول با همسایه بزرگ دوست و نیرومند ما اتحاد جماهیر شوروی که بیش از دو هزار و پانصد کیلومتر با کشور ما هم سرحد است و بیوسه و با پیگیری از آزادی و استقلال میهن ما مدافعه و پشتیبانی نموده است، مناسبات خود را عادی سازند و بهبودی بخشند و مانند کشورهای دیگر خساور میانه از کمکهای مؤثر و بی شائبه اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی برخوردار گردند. کمکهای بی شائبه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، بویژه تصمیم به ایجاد صنایع سنگین آهن گدازی، کارخانه های ابزار سازی و ماشینسازی و تعداد زیاد سبکو که با اعطای اعتبارات طویل المدت با سود کم انجام میگردد، با رضایت و موافقت عمومی در کشور ما استقبال گردید. بخصوص از طرف حزب ما عمل مزبور بشائبه اجرای یکی از نکات اساسی برنامه حزب در جهت تحکیم استقلال سیاسی و کسب استقلال اقتصادی تلقی گردید.

در صورت وجود یک حکومت واقعا ملی و مستقل، کشور ما میتواند با تکیه به کمکهای بیدریغ اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، کمکهای که فاقد هر گونه شرایط سیاسی با احترام به حاکمیت ملی و رعایت کامل منافع و رشد و تکامل سالم اقتصادی کشور تأمین میگردد کام مهمی در جهت استقلال اقتصادی کشور بر دارد.

ولی هیئت حاکمه ایران بمقتضای ماهیت ضد ملی اش شرایط و امکانات وسیع و امتیازات همه جانبه ای را برای سرمایه گذاری های

امپریالیستی در عرصه های مختلف حیات اقتصادی فراهم میکند و با تشویق در آمیختن سرمایه های امپریالیستی با سرمایه های خصوصی داخلی، پروسه تحول کشور را در جهت تشدید وابستگی اقتصادی با امپریالیسم سوق میدهد.

این همان سیاستی است که شاه و هیئت حاکمه آنرا «سیاست مستقل ملی» میخوانند و شاه در ستایش آن داد سخن داده میگوید: «هرچقدر ممالک خارجی در کشور

ما بیشتر سرمایه گذاری کنند، با امنیت و استقلال ما بیشتر علاقمند میشوند.» این اظهارات مفهوم تازه ای از مبارزه در راه امنیت و استقلال ملی بدست میدهد. باین معنا که بجای کوتاه ساختن دست امپریالیسم کوشش اساسی دولت معطوف به آن میگردد، که دست این دشمنان واقعی استقلال و امنیت کشور را هرچه بیشتر در کلبه عرصه های حیات اقتصادی و سیاسی کشور باز گذاشته و تحت عنوان «علاقمند کردن آنها باستقلال و امنیت کشور» بمداخله و نفوذ آنان هر چه بپردازد میدان دهد. اگر قرار شود «سیاست مستقل ملی» بآن روش اطلاق گردد که هوادار مداخله هرچه بیشتر بیگانگان امپریالیست در شئون اقتصادی کشور است، آنگاه باید سیاست استعماری را بمنزله عالیترین سیاست استقلال طلبانه انگاشت و حتی مستعمره بودن را کمال مطلوب استقلال و امنیت کشور شمرد. زیرا در این صورت حد اکثر امکان برای مداخله سرمایه های امپریالیستی فراهم میگردد. ولی تضاد در اینجا است که معلوم نیست که مبارزه در راه «سیاست مستقل ملی» دیگر چه مفهومی خواهد داشت و علیه کدام نیروی استعماری بکار میرود؟

در تعقیب چنین سیاست باصطلاح «مستقل ملی» است که در دو سال اخیر سرمایه گذاری انحصار های امریکائی در صنایع ایران شش تا هفت برابر سرمایه گذاریهای انحصار های امریکائی در عرض ۱۵ سال پس از جنگ دوم جهانی است، یک سوم کارخانه هائی که در سالهای اخیر با سرمایه های خارجی در ایران تأسیس شده اند متعلق به سرمایه داران امریکائی است. در حال حاضر در حدود ده هزار افسر و درجه دار و کارمند امریکائی در مؤسسات دولتی و خصوصی ایران مشغول کارند.

ایران یکی از بازار های مهم امتعه آلمان غربی نیز هست. آلمان غربی مقام اول را در واردات ایران دارا است. در سال گذشته ایران یک وام چهل میلیون مارک از آلمان غربی اخذ نمود. بعلاوه مقامات آلمان غربی با فروش اوراق قرضه دولت ایران بمبلغ هشتاد میلیون مارک با بهره هفت و یک چهارم در کشور خود موافقت نمودند. در تعقیب مذاکرات اخیری که بین هیئت اقتصادی اعزامی ایران در آلمان غربی صورت گرفته است، آلمان غربی مصمم است در حدود ۲۰۰ میلیون مارک در زمینه های صنایع شیمیائی و الکترونیک و صنایع دیگر در ایران سرمایه گذاری نماید. مسافرت های اخیر کیزینگر و شترائوس به ایران علاوه

# سخنرانی رفیق رضا رادمش

## رئیس هیئت نمایندگان حزب توده ایران در کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری

بر هدفهای سیاسی خود، متوجه فعالیت های جدید اقتصادی آلمان غربی در ایران است. در چارچوب چنین مناسبات اقتصادی و سیاسی ایران با آلمان غربی است که دولت ایران، درست در هنگامیکه کشور های مترقی عربی مانند عراق، سودان و سوریه یکسای پس از دیگری جمهوری دموکراتیک آلمان، نخستین کشور کارگری در خاک آلمان و در مرکز اروپا را میسازند و با آن گام مهم تاریخی در جهت تحکیم صلح در اروپا و در تغییر تناسب نیروها بفرع اردوگاه سوسیالیسم برمیدارند، کشور ما نه تنها مثال برجسته آنان را تعقیب نمیکند، بعکس مناسبات اقتصادی بسیار محدود خود را نیز با آلمان دموکراتیک قطع مینماید. زمامداران ایران نه تنها مناسبات خود را با کشورهای مترقی عربی، مانند کشور متحده عربی، سوریه و عراق که در صف نخستین مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم در خاور میانه قرار دارند، بسط نمیدهند بلکه مناسبات خود را با این کشورها به بهانه های گوناگون قطع میکنند و روز بروز تیره تر میسازد. اتفاقی نیست که حوادث اخیر در شط العرب وقتی انجام میگردد که کشور همسایه ما عراق در دشوارترین وضع علیه صهیونیسم و امپریالیسم در نبرد است. ما در اینجا لازم میدانیم از جانب ما، ایران پشتیبانی کامل و راسخ خود را از مبارزه بحق خلقهای عرب علیه تجاوز کاران اسرائیل، که بخشهایی از خاک کشورهای عربی را با اعمال زور اشغال کرده اند ابراز داریم. ما اطمینان داریم که این خلقها با کمک اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیروهای مترقی جهان در نبرد عادلانه خود علیه محافل تجاوزکار صهیونی اسرائیل سر انجام پیروز خواهند شد.

یکی از بزرگترین منابع نفت در خاور میانه و در جهان در کشور ما قرار دارد. درآمد از کنسرسیوم بین المللی نفت، که بدست بزرگترین انحصارهای امریکائی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی بهره برداری میگردد، در سال جاری به یک میلیارد دلار بالغ میشود. هرگاه در آمد سالانه انحصارهای نفتی را نیز اقلاً به همین میزان در نظر بگیریم، آنگاه در صورت اجرای قانون ملی شدن نفت که رژیم حاکم آنرا نقش نموده است، درآمد سالانه ایران از نفت به دو میلیارد دلار میرسد که برای کشوری مانند ایران که بیست و شش میلیون جمعیت دارد، در آمد بسیار قابل توجهی است ولی درآمد مزبور از طریق غارت مستقیم بازارهای ایران، از طریق پرداخت اصل و فرع وامهای

تحمیلی، از طریق خرید مقادیر زیادی سلاح های جنگی، به گاو صندوق های انحصارهای امپریالیستی سرازیر میگردد. ضرورت حفظ و بسط چنین غارتی است، که کشورهای امپریالیستی، رژیمی ضدملی و ضددموکراتیک بر کشور ما تحمیل کرده اند، تا کشوری مانند ایران که دارای یک فرهنگ باستانی چندین هزار ساله ای است، در نیمه دوم قرن بیستم و در عصر انقلاب علمی و فنی، هنوز سالیانه پنجاه درصد نوزادانش قبل از اینکه به سنین یک و دو سال برسند راه قبرستان را طی کنند. بعزت سلطه شوم اقتصادی و سیاسی و نظامی امپریالیسم در کشور ما است که بیش از ۷۰ درصد از ساکنین کشور ما هنوز بیسوادند و با وجود لاف و گرافهای بلندگویان رژیم در باره مبارزه با بیسوادی، سالیانه پنجاه درصد اطفال ما به دبستانها راه نمیابند.

به برکت چنین رژیمی است که احزاب و اتحادیهها و مطبوعات مترقی و مخالف رژیم در کشور ما، از هر گونه فعالیت اجتماعی و سیاسی محرومند. اکنون صدها از اعضای حزب ما و از وابستگان به گروههای دیگر ملی و دموکراتیک، در شرایط بسیار دشواری در زندانها بسر میبرند. از رفقای حزبی ما کسانی هستند که نزدیک بیست سال است که در زندانهای دور دست و بد آب و هوا زندگی مرگباری دارند. رفقای ما مانند پرویز حکمت جو و علی خاوری که چندین پیش با فشار افکار عمومی در خارج و در داخل کشور، از مرگ حتمی نجات یافته اند، اکنون یکی در خطر فلج عمومی و دیگری در خطر از دست دادن بینائی زندگی بر رنجی در زندان دارند و از هر گونه وسائل معالجه جدی محرومند. نظایر چنین رفقای در زندانهای ایران بسیار و پیوسته بر شماره آنها افزوده میگردد. اینها گوشه هایی از زندگی مشقت بار مردم کشور ما است.

با توجه به این قبیل مشکلات برای احزابی نظیر حزب ما است، که در سند اصلی بدرستی تأکید شده است که منافع مبارزه علیه امپریالیسم که سعی دارد آزادی های اساسی انسانی را بایمال نماید دفاع از آزادی کلام، مطبوعات، اجتماعات، تظاهرات و تشکل و حقوق مساوی و عمومی و دمکراتیک نمودن تمام جهات زندگی اجتماعی را ایجاب مینماید.

از این رو و درست از جهت «منافع مبارزه علیه امپریالیسم» است که حزب ما تأمین آزادیهای دمکراتیک و استقرار مجدد اصول دمکراتیک را شعار اساسی مبارزه خود

قرار داده است. بدیهی است که تشخیص شعار اساسی مبارزه، بهیچ وجه بمعنای انصراف از مبارزه در راه شعارهای دیگر و از جمله بمنزله انصراف از مبارزه برای خروج ایران از پیمان سنتو و لغو قرار داد دو جانبه نظامی با امریکا، العاقانون کایتولاسیون، اتخاذسیاست بیطرفانه، اجراء قانون ملی شدن صنایع نفت، الغاء امتیازات نسبت بسرماهای مونوپولیستی، مبارزه علیه سیاست بازگانی نابرابر و درهای باز و غیره نیست. ولی تشخیص شعار عمده مستلزم آنست که قسمت اساسی کوششها و مبارزات سیاسی در جهت آن سیر کند. زیرا شعار مزبور آنچنان حلقه مرکزی است که قادر است مبارزه در راه تحقق شعارهای ضد امپریالیستی و ضد استعماری دیگر را تحکیم نماید.

در تمام طول تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری، دشمنان طبقه کارگر دائماً وحدت طبقه کارگر را در داخل کشور و در مقیاس بین المللی مورد تعرض قرار داده اند. طبقات استثمارگر پیوسته کوشیده اند از وحدت پرولتاریا جلوگیری کنند و افتراق و انشعاب در آن ایجاد نمایند. شعار «پرولتاریای جهان متحد شوید» از همان آغاز دارای معنوی عمیقی بوده است. شعار مزبور مبین اندیشه وحدت بین المللی طبقه کارگر و وثیقه قدرت و شکست ناپذیری آنست.

جنبش کارگری از بدو پیدایش خود، گاه با دشمنان نیرومندی در صفر خود نیز روبرو بوده است. اهم آنها عبارتند از انواع روزبونیسم و اپورتونیسم که مارکسیسم را قلب میکنند، ایدئولوژی بورژوازی را در تئوری و در عمل انعکاس میدهند، هدفش تلفیق منافع طبقه کارگر با منافع متناقض بورژوازی و در نتیجه تضعیف مصنوعی تضاد طبقاتی است و یا دگماتیسم و سکتاریسم «چپ روانه» که، جنبش کارگری را از توده های وسیع خلق جدا میسازد و آنرا از حمایت آنها محروم مینماید، در نتیجه جنبش کارگری را یا به سستی و منفعل بودن و یا به شکست در مبارزه نامتساوی بادشمن نیرومند و خطرناک میکشاند. در سالهای اخیر گروه مائوتسه دون در چین، کورس و شوهای را درسیاست داخلی و خارجی و در جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری اختیار کرده است که در آن ماجراجویی خرده بورژوازی و شوونیسم عظمت طلبانه با جملات چپ روانه ای پوشیده است. کورس رهبری کنونی چین بررأس آنها مائوتسه دون، آشکارا به بهم زدن وحدت و همبستگی جامعه سوسیالیستی و انشعاب در جنبش کمونیستی و تجزیه نیروهای اساسی پیروان انقلاب جهانی متوجه است.

رفته رفته سیر حوادث در چین کورس مائوتسه دون را به آنچنان جریان ماجراجویانه و شوینیستی تبدیل ساخته است که با ابتدائی ترین اصول تئوریک و پراتیک انقلابی سازگار نیست. بویژه پس از تجاوز چین در سرحدات شوروی و گزارشها و تصمیمات باصطلاح کنگره نهم حزب کمونیست چین، مسئله

یکی از چارچوب مسائل داخلی یک حزب و یک کشور تجاوز کرده است و هیچگونه سکوت و یا پاسیف بودن را در برابر این پدیده نمیتوان توجیه کرد. به همین سبب در سند اصلی بدرستی تصریح شده است که: «هر حزب مسئول فعالیت خود و در عین حال در برابر طبقه کارگر جهانی است. مسئولیت ملی و بین المللی احزاب کمونیستی از هم جدا ناپذیر است».

این حکمی است درست. بر اساس چنین حکمی است که ما در باره سیر حوادث اخیر در چین اظهار نظر میکنیم.

حزب ما در موارد عدیده عدم موافقت اصولی خود را با کورس گروه مائوتسه دون ابراز داشته است. بویژه با روش گروه مزبور در باره حزب کمونیست اتحاد شوروی و کشور اتحاد شوروی این ستاد نیرومند انقلابی که مورد احترام همه زحمتکشان روی زمین است مخالفیم و بعکس عقیده داریم که در تاریخ هیچ حزبی مانند حزب کمونیست اتحاد شوروی و هیچ دولتی مانند اتحاد جماهیر شوروی چنین نقش عظیم و مترقیانه ای در زندگی بشریت نداشته است. و یکبار دیگر تأکید میکنیم که کمونیسم با مضمون آنتی شوینیسم هیچگاه وجود نداشته و نمیتواند داشته باشد. تمایلات توسعه طلبانه رهبران کنونی چین که ثمره مستقیم شوینیسم عظمت طلبانه آنهاست حد و اندازه ای ندارد. همه ما از ادعای مهمل گروه مائوتسه دون در مورد بیش از یک میلیون و نیم کیلومتر مربع اراضی شوروی که جمهوریهایی مختلف اتحاد شوروی را در بر میگردد خبر داریم. اشتیاق توسعه طلبانه رهبران کنونی چین از اینهم بیشتر است. پیوسته نیست که طی سالهای اخیر ستایش شخصیت چنگیز خان متداول شده و باصطلاح از «مسیحون تاریخی» وی برای اتصال شرق و غرب صحبت میشود. ایران از جمله کشورهایائی است که از ایلغار چنگیز زبان وحشتناک دیده و لذا معنای ضد بشری احیاء کیش وی را عمیقاً درک میکند. واقعا تراژیک است که کسانی که خود را رهبران جنبش کارگری میشارند در نیمه دوم قرن بیستم اقدامات غارتگرانه یک خان قرون وسطائی قرن سیزدهم را تکیه گاه معنوی خویش آهم علیه کشورهای سوسیا لیستی و کشورهای ستمدیده قرار میدهند.

تنها با برخورد اصولی و مشخص بمسائل مورد اختلاف بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری میتوان از عواقب شوم سیاستهای انشعابی جلوگیری کرد و یا این عواقب را بعد اقل ممکن تقلیل داد. وصول به هدف عالی تحکیم وحدت در جنبش کمونیستی و کارگری از طریق تماسهای دو جانبه و چند جانبه احزاب برادر و تشکیل جلسات مشاوره منطقه ای و یا جهانی - همان طور که در طرح سند اصلی توصیه شده است - امکان پذیر است.

آزمایش تهیه مقدمات جلسه حاضر صحت این شوه را در عمل به ثبوت رسانیده است. در آینده نیز باید چنین شوه اصولی دنباله در صفحه ۷

## شبهه ای در باره «انقلاب اداری»

از جمله «انقلاباتی» که بفرمان آرنا- مهر مدت‌هاست جریان دارد و ماده ۱۲ برنامه «انقلابی» او را تشکیل می‌دهد انقلاب اداری است! شاه دستور داده در سازمانهای اداری انقلاب کنند و برای بازرسی و اجرای دقیق آن، سازمانی بنام سازمان عالی بازرسی شاهنشاهی بوجود آورده که در سرتاسر کشور از نزدیک طرز اداره و نحوه کار ادارات دولتی را زیر نظر بگیرد و بشکایات مردم از این سازمانها رسیدگی کند و داد آنها را بدهد! بدینطریق شاه سنت کهن شاهان هخامنشی را که بیش از دو هزار سال پیشینه دارد زنده می‌کند و آنرا با مقتضیات امروز که همه جا و همه چیز در پرتو «انقلاب سفید» در حال جنبش و جوش است هماهنگ می‌سازد! البته افتخار این کار در درجه اول متعلق پیدر او رضا شاه است، او هم یک چنین سازمانی بوجود آورد، منتها چون انقلابی نبود، سر و صدای زیادی بنام «انقلاب» براه میانداخت فقط یکبار برای اینکه نتیجه اقدامات خود را در زمینه اصلاح اداری نشان دهد، وقتی شخصاً از اداره کل ژاندارمری بازدید میکرد، خطاب بهمراهان گفت: «جیب های خود را محکم بگیرد زیرا اینجا اداره کل ژاندارمری است!!»

دستگاه اداری ایران از عدهای بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر تشکیل میشود، که چون کوهی بر پشت بودجه و مردم کشور سنگینی میکند. این دستگاه که بحق با کلمه فساد بنام (دستگاه فاسد دولتی) توأم آدا میشود، قاعدتاً باید وسیله و آلت اجرای دستورات رسمی دولتی و قوانینی باشد، که هبت حا که برای حفظ و بکار بردن قدرت خود صادر و وضع میکند، اما علاوه بر این این دستگاه قوانین و مقرراتی دارد که هیچ جفا نوشته نیست، ولی مانند سنت های کهن مافوق هر قانون و مقرراتی قرار دارد. مثلاً در اداره کل ژاندارمری قانون نا نوشته این است که بستها را بر حسب اهمیت اجاره بندی کنند و آنها را اجاره بدهند. در ارتش هم سنت اینست که از جیره سرباز گرفته تا معاملات بزرگ خرید اسلحه و مهمات و آنچه مربوط به سر- رشته داریست، مبلغی کم یا زیاد بسود جیب مقامات مربوطه برداشت کنند. در اداره کل مالیات بر درآمد و مالیات بر شرکتها، «خر کریم باید حتماً نعل شود» و غیره و غیره. خصلت دیگر این ادارات پیوسیدگی است. زیرا سستی، کندگی، بی جانی و بی- حرکتی سر تا پای این کاخهای پوشالی را چنان فرا گرفته که برای رسیدن مثلاً یک پرونده قضائی به بایگانی را که یعنی از آغاز تا انجام یک عمل قضائی سالها وقت لازمست. اتفاق افتاده که نتیجه قطعی یک پرونده حقوقی به نوبه شاکی پس از دو نسل اعلام شده است یکی از دعاهای خیر ما در باره بکریگر این است که خدا سر و کارت را بدستگاه- های دولتی بنسازد! در یک کلام مجموعه این دستگاهها مانند واگنهای اسبی چهل

سال پیش تهران است که اگر جوانی جلو بازار سوار آن میشد در ایستگاه شهر ری با ریشی سفید و قندی خمیده از آن پیاده می- گردید!

با اینکه دستگاه اداری مقاصد خاص کارگردانان خود را از شاه گرفته تا رؤسای مافوق سرعت انجام میدهد، حتی آنها هم گاه گاه آنوقت که فغان مردم بلند میشود و زمانیکه تظاهر باصلاح طلبی ضرورت پیدا میکند، و یا تا حد معینی اوضاع عمومی کشور اجباری را بهیبت حا که تحمیل میکند، با مردم همصدا میشوند و از فساد و تباهی آن دم میزنند و هر چند یکبار بنام «مبارزه با فساد» و یا اخیراً بنام «انقلاب اداری» جار و جنجالی راه میاندازند. شاه که خود سر دسته این جنجالچیان است در باره «انقلاب اداری» چنین میگوید: (همه افرادی که در سازمانهای اداری و دولتی مملکت وظیفه ای اعم از بزرگ یا کوچک بر عهده دارند باید با کمال صداقت و وظیفه شناسی و با قبول مسئولیت در انجام وظیفه خود بکوشند و روح اتلاف وقت و قیرطاس بازی و بوروکراسی در ادارات از میان برود). روزنامه «ندای ایران نوین» ارگان حزب باصطلاح اکثریت چنین مینویسد: «در سازمانهای اداری مملکت هیچگونه معیار و ملاک درست و منطقی... وجود نداشت و هنوز هم ندارد، راست است که مدارک تحصیلی... ظاهرأ یک معیار و مقیاسی بدست میدهد ولی همین معیار و ملاک ظاهرأ قانونی بمقدار زیادی در اصل از روی عوامفریبی و ریاکاری تدوین گردیده و ثانیاً که دردناکتر است همان معیار و مقیاسها... دستخوش همان قوم خویش و رفیق بازی و خلاصه «لوطی بازی» زمان گذشته است و تبعض باشد صورت و سخت ترین وجوه حکمفرما بوده... این تبعض و حق کشی و بیعدالتی را کارمندان می بینند و حس میکنند... و اکش آن نه اعتصاب است نه عصیان، بلکه موش کشی توی کار- های مملکت، توی کارهای مردم، دزدیدن از ساعات کار، تجاوز بحق دولت و هم بحق مردم است. کار مردم را از امروز بفرودا افکنند و تعدی بحق مردم است...» بعقبه این روزنامه مردم هم در قبال این وضع «توصیه میآورند، اعمال نفوذ میکنند، رشوه میدهند، سورا و میهمانی میدهند و از اینجور کارها که در جمع خود مفاسد اداری گفته میشود، میکنند. روح وظیفه شناسی و وجدان کار... در نهادشان مورد ریشخند قرار گرفته، زیرا مبینند آنها که بالا سرشان قرار دارند همه اصول را ریشخند گرفته اند...» اینها مندرجات روزنامه رسمی وابسته بدولت است. در باره کیفیت اجرای «انقلاب اداری» در روزنامه دیلمت چنین میخوانیم:

«آنچه که مورد علاقه رهبر و پرچمدار انقلاب است بخوبی روشن و آشکار میباشد و هرگز نظر این بوده که وزراء و رؤسای سازمانهای مملکتی جمعی از کارکنان یا

رؤسا و مدیران کل را کنار بگذارند، و بجای آنها چند نفر از افراد نزدیک مشمول محبت خود را بگذارند و رفیق بازی بیشتری اعمال نمایند. «اتفاقاً هدف «پرچمدار انقلاب» درست همانی است که اجرا شده یعنی آوردن رؤسا و مدیر کلانی که «مشمول محبت» باشند و ملاک «محبت» هم «خصلت های سیاسی و سرسپردگی» است، نه صداقت و کفایت و درستکاری. طرز اجرای «انقلاب اداری» بهترین معرف جنبه تبلیغی و عوام- فریبانه آنست. روزنامه «مرد مبارز» در این باره مینویسد: «کمسیونهای مأمور اجرای انقلاب اداری در سازمانهای دولتی هر یک جدا گانه گزارش کار خود را تسلیم نخست وزیر نموده اند و این گزارشات بطریق خاص در معرض قضاوت افکار عمومی قرار داده میشود، تا نسبت با اجرای آن تصمیم اتخاذ گردد». بر اساس چنین رویه ایست که «سازمان اوقاف» ابتکار طرح اجرای «انقلاب» را بعهده گرفته و پیشنهاد کرده است که «در قانون استخدام کشوری تجدید نظر شود» بقول رحمت الله بهزاد در (خواندنیها) «اولین فساد سازمانهای اداری اینست که کمتر کسی در کار خود تخصص دارد و معیار انتصابات کاردانی ولایت و سابقه نیست بلکه اعمال نظرهای خصوصی است و بهمین جهت است که افراد آشنا به وقفنامه ها و نظرات باسانی میتوانند از طرح استخدام کشوری ایراد بگیرند! (مندرجات روزنامه های فوق از خواندنیها شماره های ۲۵، ۲۶، ۲۷ و ۲۸ سال ۱۳۴۶ نقل شده) هم اکنون موج تبلیغاتی در باره «انقلاب اداری» قوس نزولی را طی میکند، بزودی آنها از آسیابها خواهد افتاد، و این دستگاه فاسد پیوسیده با همان خصوصیتی که داشت بزنگی زالو وار خود ادامه خواهد داد، اکثریت هم سرنوشتی که نصیب «بندچیم» یا قانون «از کجا آوردهای» و یا «مجا کسات بزرگ» باصطلاح مبارزه با فساد گردید نصیب «انقلاب اداری» شده است.

در اجرای قانون «از کجا آوردهای» میلیونها پرسشنامه چاپ کردند و دستگاه خاص در هر وزارتخانه برای اینکار بوجود آوردند ولی نتیجه چه شد؟ هیچ! در جریان «مجا کسات بزرگ» چند نفر را برای تسویه حسابهای خصوصی زیر پدگرد قرار دادند و سر انجام نتیجه چه شد؟ هیچ! اکنون نیز باید گفت که نتیجه «انقلاب اداری» چیزی جز هیچ نیست! نتیجه تأسیس «سازمان بازرسی عالی شاهنشاهی» که گویا مانند عصر داریوش «چشم و گوش شاه» هست علاوه بر ایجاد محل خرج تازه ای بحساب مردم چین دیگری نیست. شاه این سازمان را به «عقباسی» تشبیه کرده که «بر سر عناصر مختلف فرود میآید». آیا چنین عقابیی میتواند در جایی که منافع شاه و خانواده او مقتضی نیست فرود آید و اجرای همین قوانین ارتجاعی موجود را تأمین کند؟

امروز شاه و وابستگانش در اکثر مؤسسات تولیدی و یا سود آور بنحوی از انحاء شرکت دارند. آیا این سازمان بازرسی میتواند آتفسر با ادارات وصول مالیات نیرو

بدهد که از این مؤسسات حداقل مالیات دولتی را دریافت کنند؟ آیا این سازمان میتواند آنجا که مأموران سازمان امنیت کلیه حقوق بشری یک انسان را پامال میکنند عرض اندام نماید؟ بفرش آنکه در بین بعضی از اعضای این سازمان شاهنشاهی علاقه با اجرای همین قوانین جاری موجود باشد، آیا میتوانند در جایی که منافع «کله گنده ها» با قانون میبایست دارد قنمی بردارند؟ روشن است که شاید هم شاه و دولت مایل باشند که برای حفظ ظاهر و اجرای «انقلاب اداری» در مواردی که کمترین ضرری بگاو و گوسفند هبت حا که وارد نمیشود، از دزدی و رشوه خواری و حیف و میل اموال دولت و کم کاری و سستی جلو گیری شود ولی معلوم است که چنین امری ممکن نخواهد شد. زیرا کار گزاران دستگاه دولتی هنگامی تمام قوانین رسمی و قواعد وجدانی را بفع دستگاه حا که زیر پا میگذارند که در موارد دیگر بتوانند بفع خود حقوق دیگران را بکنند. وقتی مأموران گمرک بخاطر اشرف پهلوی باید ورود اجناس ممنوعه را بدون گمرک مجاز کنند، بالطبع ورود اشیاء قاچاق را بخاطر خود مجاز خواهند نمود. وقتی شاه و بستگانش از قرضه های خارجی میلیونها دلار میدزدند و آن تنگک و اقتضاح را که خیر خان گودرزی افشاء کرد در امریکا براه میاندازند، مأموریشان هم بخود اجازه میدهند که از خرید های دولتی، از مقاطعه ها، از انتصابات مهم و از هر جا که دستشان برسد بزدند. سعدی میگوید: «به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد - زند لشکرانش هزار مرغ به سیخ». حالا اگر خود سلطان و خویشانش هزاران مرغ طلائی را به ستم از جیب خلق بزدند مأموران او چه باید بکنند؟ انصاف باید داد که فساد دستگاههای دولتی در مقابل فساد دربار و درباریان بزرگ ناچیز است، هر چند که زبان آن برای مردم خارج از حساب است. دستگاههای اداری دولتی مظهری از ماهیت طبقاتی رژیم هستند و تا ماهیت رژیم تغییر نکند امیدی به تغییر اساسی در این دستگاه نیست. این دستگاهها با تمام خصوصیاتشان مولود وزاده آن مقاماتی هستند که میخواهند بنام انقلاب اداری آنها را منقلب کنند و چنین چیزی منطقاً محال است. ممکن است بنام انقلاب اداری عدهای از کارمندان جزء را که تمام بار کار های دولتی بدوش آنهاست، بعنوان مختلف بیکار کنند و یا زیر پدگرد قرار دهند یا مقررات و قوانین تازه وضع کنند یا نوع سازمانها را پس و پیش کنند و بوق و کرنای اصلاحات را با تمام قوت بدهند اما نخواهند و نمیتوانند ماهیت این دستگاهها را تغییر دهند. انقلاب اداری وابسته به انقلاب اجتماعی است که تا انجام نشود بوجود نخواهد آمد. در درون سازمانهای وابسته بدولت توده وسیعی از مردم زحمتکش وجود دارد که آنها هم مانند توده های وسیع کشور از هبت حا که و کار گردانان این سازمانها رنج میبرند. کمترین حقوق را دریافت میکنند و بیشترین کارها



### نه انقلابیگری نه تسلیم

شرکتی در ساده ترین مبارزه مردم ایران داشته باشد، ولی همچنان درباره «انقلاب» و «جنگ پارتیزانی» داد سخن میدهند و حزب ما را به «روزیونیسیم» و «اوپورتونیسیم» متهم میسازند!

(۸)

از انقلابیگری تا تسلیم - تسلیم بصورت فرق شدن در زندگی خرده بورژوازی و بورژوازی - تسلیم بشکل ضعف در برابر دشمن - تسلیم از راه زانو زدن در مقابل مشکلات و تن دادن به نومیسی. چنین است واقعیت تلخ و دردناکی که با آن روبرو هستیم و این واقعیت نتیجه مستقیم انقلابیگری و چپ روی است. ملاحظه میشود که در برابر مبارزان آگاه و مترقی و بورژوا و قبل از همه مبارزان حزب **پ.ت.و** ایران وظیفه سنگین و مهمی قرار گرفته است، زیرا صحبت فقط بر سر این نیست که باید متحرفان «چپ» را که در موضع ضد انقلابی در غلطیده اند افشا کرد و منفرد ساخت، باید با پدیده یأس و ضعف و تسلیم طلبی نیز مبارزه جدی کرد. اهمیت این وظیفه اخیر بویژه در آنجاست که بسیاری از کسانی که به اشکال مختلف راه تسلیم در پیش میگیرند از زمره عناصر و نیرو هائی هستند که بالقوه میتوانند جزء نیرو های انقلابی قرار گیرند، حتی در دورانی بالفعل نیز در کار انقلابی شرکت میکنند، ولی موقع طبقاتی آنها از یکطرف و تأثیر منفی تبلیغات انحرافی از طرف دیگر آنها را زمانی به انقلابیگری و زمانی به تسلیم طلبی میکشانند. بویژه به این گروه است که باید نشان داد که نه انقلابیگری، که بدون توجه به شخص اجتماعی و عوامل عینی و ذهنی لازم برای پیروزی انقلاب جنبش را به کوره راه میکشانند و به شکست منجر میسازد و نه تسلیم طلبی، که جنبش را تضعیف میکند و عمر رژیم ظلم و فساد را طولانی تر میسازد راه و روش يك انقلابی واقعی است. باید ثابت کرد که کار انقلابی واقعی قبل از هر چیز تجهیز توده ها برای شرکت در تمام انواع و اشکال مبارزه است. و چنین کاری فقط با مقاومت و پیگیری میتواند موفقیت آمیز باشد. انقلابی واقعی کسی نیست که فقط در لحظه ای و در دورانی «انقلابی» باشد ولو آنکه انقلابی ترین شعارها را هم بدهد، ولو آنکه واقعا هم در آن دوران انقلابی باشد، انقلابی واقعی کسی است که لحظه ای هم پرچم مبارزه را بر زمین نگذارد.

(۹)

زندگی بار دیگر نشان داد که هم هشدار حزب توده ایران بجا بود و هم راه آن درست. زندگی بار دیگر ثابت کرد که همیشاری انقلابی و مشی انقلابی فقط از آن حزبی است که به خلق خود، به طبقه کارگر خود، به مارکسیسم - لنینیسم و به انترناسیونالیسم پرولتاری و فادار بماند، نه شوغای انقلابیگری و نه زاری تسلیم طلبی

### دست امپریالیسم در آستین رژیم ایران

پس این دعوی که قطع روابط از اظهارات وزیر امور خارجه آن کشور ناشی شده است بکلی کاذبانه است. زمینه این کار از پیش فراهم شده بود، نخست وزیر هویدا در سفر به آلمان فدرال تعهدات مشخصی را در قبال کیزینگر و برانت پذیرفته بود و دولت ایران به تبعیت از محافل امپریالیستی بن و واشنگتن و نیز تحت فشار کنسر سیوم بین المللی نفت بعنوان واکنشی در برابر تصمیم عراق دائر به شناسائی جمهوری دموکراتیک آلمان باین اقدام دست زده است. سیاست خارجی ایران سالیان دراز بر سمت گیری یکجانبه و تبعیت کامل از امپریالیسم جهانی استوار بود. عواقب این سنگبری ضد ملی بصورت بلای ملی دیرپائی عقب ماندگی جامعه ایران نمودار گردید. امپریالیست ها ثروتهای ملی ما را بتاراج بردند، بر منابع اقتصادی و مسالی ایران مسلط شدند، با تمام قوا از صنعتی کردن کشور جلوگیری کردند و ایران را به کشوری وابسته و به پایگاه استراتژیک سیاست تجاوزکارانه خود بدل ساختند. اینک زمامداران ایران بر اعتنا به عواقب شومی که مشی سیاسی آنان در گذشته برای ملت ایران پیاورد آورده است به تشدید این سمت گیری محکوم تاریخ پرداخته اند. این سیاست نابخردانه بخصوص در شرایط بحرانی کنونی خاور نزدیک و میانه خطر آنرا در بر دارد که ایران را به يك اسرائیل دوم علیه کشور های عربی بدل کند.

رژیم شاه برخلاف مصالح ملی ایران اکنون

### شبه ای در باره «انقلاب اداری»

را انجام میدهند و کمترین اختیاری ندارند. آنها جز آلت و وسیله اجرای مقاصد مافوق چیز دیگری نیستند و نمیتوانند باشند. باین دلائل با يك تحول عمیق در ادارات دولتی موافقت اما معلوم است که رهبری «انقلاب اداری» بدست آنها نیست، بلکه در دست کسانی است که خود منشاء فساد هستند. شاه میخواهد در ردیف سایر تظاهرات «انقلابی» خود در این مورد هم تظاهری بکند و فصلی بر فصول کتاب «انقلاب سفید» بیافزاید ولی تردیدی نیست که بخصوص در این «انقلاب» جز قطور کردن کتاب خود کاری انجام نخواهد داد. زیرا ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش.

ر. رضوی

دولت کارگری و دهقانی آلمان اکنون جزو کشورهای صنعتی عمده جهان و عامل مهم مبارزه در راه صلح و امنیت اروپا است. جنبش شناسائی این جمهوری کامیاب سوسیالیستی علیرغم تلاشهای بن و واشنگتن و پیروان آنها در تهران روز بروز دامنه وسیعتری بخود میگیرد. جمهوری دموکراتیک آلمان در طول بیست سال حیات پرافتخار خود کامیابهای درخشانی در کلیه شئون اساسی بدست آورده و فردا بیشک کامیابیهای تازه تری خواهد داشت. شناسائی این کشور حکیم زمان است و زندگی به مخالفان این راه پوزخند خواهد زد. پ. پرتو

### سخنرانی رفیق رضا رادمش

را بکار برد. در طرح سند اصلی بدرستی گفته شده است که: «وحدت احزاب کمونیستی و کارگری مهمترین عامل وحدت تمام دیگر نیرو های ضد امپریالیستی است.» تشکیل جلسه حاضر که در آن نمایندگان ۷۵ حزب کمونیستی و کارگری شرکت دارند. و با شرکت خود عملا اعتقاد خود را به ضرورت چنین وحدتی ابراز داشته اند، برای جنبش جهانی ما موفقیتی بی نظیر است، سند اصلی که هدف آن مبارزه علیه امپریالیسم در مرحله کنونی و وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و تمام نیروهای ضد امپریالیستی است خود برنامه و پایه بسیار مستحکم برای چنین وحدتی است که اکنون صدها میلیون از کارگران و روشنفکران مترقی و میهن پرست چشم به مسکو دوخته و در انتظار تحقق چنین نظری هستند. حزب ما یقین دارد که جلسه حاضر به آرزوهای صدها میلیون نفوس بشری که در شرایط بسیار دشواری بمبارزه سرسخت خود در صحنه های نبرد ویتنام، در خاور میانه، در کارخانه ها و کارگاه ها و خیابانهای پایتخت های اروپا و امریکا در زیر زمین ها و در زندانها علیه امپریالیسم و ارتجاع برای يك زندگی آزاد از استعمار و استثمار مبارزه میکنند جامه عمل پوشاند، تصویب سند اصلی بویژه در آستان صدمین سالگرد میلاد ولادیمیر ایلیچ لنین پیشوای داهی زحمتکش جهان، بهترین ارمغانی است که کاملاً در روح و صیای لنین در باره اهمیت حفظ همبستگی انترناسیونالیستی گردانهای پیشاهنگ طبقه کارگر علیه دشمن مشترک، میتوان مردم جهان تقدیم داشت.

در خاتمه همیشه نایندگی ما مایل است از حزب برادر مجارستان و بویژه حزب بزرگ اتحاد شوروی که در تدارک و تشکیل این جلسه همه مساعی خود را با روح درخشان انترناسیونالیسم پرولتاری بکار برده اند، صمیمانه تشکر کند. مطمئن هستیم که این مساعی ثمرات خود را خواهد داد، و وحدت جنبش کمونیستی و کارگری جهانی و همه دیگر نیروهای ضد امپریالیستی را بیش از پیش تحکیم خواهد نمود.

### تعمیر آدرس رادیو پیک ایران

هموطنان عزیز! رفقای حزبی! به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

**P. B. 49034**  
**10028 Stockholm 49**  
**Sweden**

# پیروزی بزرگ نوین خلق قهرمان ویتنام

در یازدهم ژوئن جبهه آزادیبخش ملی ویتنام جنوبی تشکیل دولت موقت انقلابی جمهوری ویتنام جنوبی را اعلام داشت. بدین ترتیب مبارزه عادلانه و قهرمانانه خلق ویتنام در راه استقلال، آزادی و صلح وارد مرحله تاریخی نوینی گردید. این پیروزی بزرگ نوین خلق قهرمان ویتنام بار دیگر نشان میدهد که اگر خلقی متحد و با استواری و پیگیری در راه آزادی خود مبارزه کند، اگر خلقی در این مبارزه از رهبری پیشاهنگ انقلابی و آگاهی چون حزب طبقه کارگر برخوردار باشد، اگر خلقی در این پیکار در کنار اتحاد شوروی و سایر



کشورهای سوسیالیستی قرار گیرد و از پشتیبانی و کمک مادی و معنوی آنها بهره‌مند گردد، قادر است بزرگترین، نیرومندترین و هارترین نیروی امپریالیستی - امپریالیسم آمریکا - را نیز بزانو در آورد.

خلق ویتنام با قهرمانی تاریخی و بینظیر خود توانست نه فقط احترام و علاقه وسیع‌ترین قشر - های مردم سراسر جهان را بسوی خود جلب کند، بلکه جنبش همبستگی عظیمی را در سراسر جهان بوجود آورد که از نظر وسعت و تنوع شرکت کنندگان نیز در تاریخ نظیر ندارد. خلق قهرمان ویتنام با پیکار عادلانه خود شعله امید به پیروزی را در دل‌های همه ملل مستعبدیده، همه شیفته‌گان راه استقلال و آزادی، صلح و عدالت فروزاتر ساخت. تشکیل دولت موقت انقلابی در ویتنام جنوبی پیروزی همه زحمتکشان و صلحدوستان و ترقی

خواهان جهان است و این امید را مسلم تر و اعتقاد را راسختر کرد که خلق قهرمان ویتنام پس از آنهمه فداکاریها و قربانیها با گامهای استوار در جاده پیروزی پیش میرود. ما تشکیل دولت موقت انقلابی جمهوری ویتنام جنوبی را بخلق ویتنام، بجهه آزادی بخش ویتنام جنوبی و به حزب زحمتکشان ویتنام بر رهبری رفیق هوشی مین که در سند مصوب کنفرانس جهانی احزاب برادری را بحق «میهن پرست و انترناسیونالیست کبیر و رچل مبرز جنبش انقلابی» خوانده اند صمیمانه تعهت میکنیم. ما بار دیگر پشتیبانی کامل و بیدریغ خود را از پیکار عادلانه خلق قهرمان ویتنام اعلام میداریم و آرزو مند پیروزی های نوینی برای خلق ویتنام و دولت انقلابی وی هستیم.

۱۰۲

دنباله از صفحه ۲

## سازش با کنسرسیوم و دروغ به مردم

ساخته شده دائماً در حال افزایش میباشد و ما بطور طبیعی همه ساله از صدور نفت و خرید محصولات صنعتی کشورهای غرب متضرر میشویم.

بنظر میرسد که زائد باشد مطلبی به این اعترافات، آنهم از زبان اطلاعات، بیفزائیم. فقط سئوالی که باقی میماند اینست که پس چرا قرارداد کنسرسیوم، که دیگر حتی محافل حاکمه ایران هم آنرا «غیر عادلانه» میدانند، هنوز هم مورد «احترام» است؟ پس چرا سیاست استعماری در فروش نفت و در تجارت با کشورهای امپریالیستی همچنان ادامه دارد؟ پس چرا وقتی شاه میگوید: «من میگویم این نفت ماست، استخراجش کنید و اگر نمیکنید خودمان استخراج خواهیم کرد» به این «تهدید»

جامه عمل نمی پوشد و بر عکس به سازش جدیدی تن در میدهد؟

پاسخ این سئوالات روشن است. از رژیم که بدست انحصارگران نفتی روی کار آمده و به آن تکیه دارد نمیتوان انتظار داشت که به تسلط آنها خاتمه دهد. سازش هایی که بزبان منافع ملی ما انجام میگردد و دروغهایی که به مردم گفته میشود فقط مؤید این حقیقت است. آنچه که وظیفه میهن پرستان ایرانست افشاء باز هم بیشتر این سازشها و دروغها و تجهیز و شکل همه نیروها در مبارزه متحد برای جلوگیری از گسترش غارت منابع ثروت ما و پیکار در راه استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک است که بتواند نفت ما را بوسیله پیروزی مردم ایران تبدیل کند. م. فرزانه

## دهسال از شهادت مهندس علی علوی میگذرد

در خرداد ۱۳۳۸ مهندس علی علوی، عضو هیئت اجرائیه حزب توده ایران بدستور شاه تیر باران شد و اکنون دهسال از این تاریخ میگذرد. در همان ایام سپهبد آزموده دادستان درخیم صفت گفت: این خونها باید ریخته شود تا تخت سلطنت محمد رضا شاه محکم گردد و برقرار بماند. هنگام اعدام علوی اعتصاب بزرگ کارگران کوره پز خانه در بجوخه خود بود و رژیم از جمله میخواست این اعدام را وسیله ارعاب و سرکوب معنوی مردم ایران قرار دهد. کمیته مرکزی حزب ما ضمن اعلامیه ای در باره شهادت مهندس علوی چنین نوشت: «اعدام علوی بهترین دلیل وفاداری او به آرمانهای مقدسی است که وی جان خود را در راه آنها فدا کرد. اعدام علوی سند افتخار جاوید برای او و برای حزب او و نهضت نجاتبخش مردم ایرانست. اعدام علوی الهام جدیدی به مردم ایران در مبارزه علیه ارتجاع و رژیم منفور محمد رضا شاه و استعمار خونخوار خواهد بود. نام علوی برای همیشه در دل‌های مبارزان حزب توده ایران و همه دوستداران صلح و استقلال گرامی خواهد بود.»

دنباله از صفحه ۱

## یک گام بزرگ تاریخی در راه همبستگی

جنبش کارگری و کمونیستی جهان کشورها نیز اعلامیه‌هایی صادر کرد. کنفرانس در فضای صراحت، همبستگی برادرانه و احساس مسئولیت جریان داشت و مطالب و مسائل مربوط به آن وسیعاً در مطبوعات و رادیوهای کشورهای سوسیالیستی انتشار یافت. در تمام دوران کنفرانس، انتظار جهانیان بدان دوخته بود. در حالیکه مطبوعات بورژوازی سعی میکردند با توجه به انواع فرضیات، از اهمیت جلسه بکاهند و در امکانش برای نیل به نتایج مثبت تردید کنند. زحمتکشان جهان بهترین آرزوهای خود را به نتایج مثبت این کنفرانس پیوند میدادند. بویژه زحمتکشان شوروی که در پایتخت کشورشان این فرورم وسیع و عالی جنبش انقلابی جهان جریان داشت با دقت و علاقه فراوان جلسه را دنبال میکردند و هزارها نامه برای شرکت کنندگان جلسه فرستادند. از جمله هیئت نمایندگان حزب توده ایران از طرف کارخانه‌ها و مؤسسات فرهنگی نامه‌های پر محبت دریافت داشت.

شرکت کنندگان کنفرانس اظهار آمادگی کردند که روابط بین احزاب کمونیستی و کارگری در آینده بر اساس تماسهای دو گانه و چند گانه، منطقه‌ای و جهانی بسط یابد، و مسائل حاد سیاسی و تئوریک در کنفرانسهای مخصوص بین‌المللی

مورد بررسی دقیق و همه جانبه قرار گیرد. کلیه اسناد و مدارک و سخنرانیهای جلسه در یک جلد کامل بالسنه مختلف چاپ خواهد شد. جلسه تصمیم گرفت این اسناد و مدارک را برای اجزایی که در کنفرانس حضور نیافته‌اند نیز بفرستد. حزب ما بنوبه خود، برای انتشار اسناد کنفرانس بین‌المللی بفارسی اقدام خواهد کرد، و برای تحلیل این اسناد و تطبیق آنها تصمیمات لازم را خواهد گرفت.

توفیق بینظیر کنفرانس بین‌المللی پاسخ دندان شکنی نه تنها به امپریالیسم، بلکه به آن نیروهای تفرقه جوئی است که با تمام قوا میخواستند از تشکیل و کامیابی آن جلوگیری کنند. نه تحریکات گوناگون امپریالیسم، و نه تقلابهای تفرقه جویان مائوئیست، هیچکدام نتوانست در سیر موفقیت آمیز و ختام موفقیت آمیز کنفرانس تأثیری داشته باشد. چنانکه از سخنرانی اکثریت قریب بتمام شرکت کنندگان جلسه پیداست، خطمشی اوایل ربربستی و شونیستی گروه مائو که کار را از تفرقه به هجوم مسلح علیه مرزهای اتحاد شوروی کشانده‌اند، محکوم شناخته شده است. کنفرانس جهانی، بروشنی نشان داد که خط مشی های اپورتونیستی راست و چپ کوره راه بی سرانجامی بیش نیست و احزاب واقعا انقلابی آتش مقدس مبارزه علیه امپریالیسم و بخاطر صلح، دموکراسی و سوسیالیسم را بر پایه مارکسیسم لنینیسم بیش از پیش فروزنده نگاه خواهند داشت.

در خانه می‌خواهیم چند جمله از سخن رانی گرم و پر از روح رفاقتی که رفیق برژنف دبیر اول حزب کمونیست اتحاد شوروی در ضیافت پر شکوهی پس از خاتمه کنفرانس ادا کرده است برای خوانندگان گرامی مردم نقل کنیم، رفیق برژنف گفت:

« برای ما کمونیستهای شوروی افتخار بزرگی است که انجمنی چنین پر اعتبار از احزاب کمونیستی جهان در پایتخت میهن ما مسکو تشکیل گردید. ما مطمئنیم که این کنفرانس در تاریخ جنبش کمونیستی جهان بمثابه حادثه‌ای بس مهم در نبرد مشترک ما علیه امپریالیسم و اتحاد مساعی و همبستگی همه کمونیستها بخاطر هدفهای عالی مشترکشان یاد خواهد شد. برای چنین ارزیابی باندازه کافی دلایل وزن موجود است.

ما تشکیل و توفیق درخشان احزاب کمونیستی و کارگری جهان منعقد در مسکو را به همه اعضای حزب و زحمتکشان ایران تبریک میگوئیم. باید اسناد این کنفرانس را بررسی کرد و آموخت و رهنمودهای آنرا بر شرایط کشورها تطبیق داد و بکار بست.

## آگهی

ترجمه فارسی کتاب تاریخی «هجدهم برومر لویی بناپارت» بزرگترین آفریده تئوریک و شاهکار انقلابی مارکس از چاپ خارج شد. برای دریافت آن به آدرس پیک ایران با ما مکاتبه کنید. بها معادل ۴۰ ریال